

وحدت نافر جام

کشمکش‌های حزب توده ایران و
فرقه دموکرات آذربایجان

(۱۳۷۲-۱۳۲۴)

شیوا فرهمند راد

چاپخانه

سرشناسه: فرهمند راد، شیوا، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور:

وحدت نافرجام: کشمکش های حزب توده ایران و

فرقه دموکرات آذربایجان (۱۳۷۲ - ۱۳۲۴) / شیوا فرهمند راد.

مشخصات نشر:

تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۶۰۰ ص ۱، ۴/۵ × ۲۱/۵، ۲

فروست: برگي از تاريخ، ۱۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۷۵-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: صفحه عنوان به انگلیسی

Shiva Farahmand Rad. Unsuccessful Unification About endless struggle
between Tude Party of Iran And Democratic Party of Azerbaijan (1945-1993).

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۷۵ - ۵۸۱.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: کشمکش های حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان (۱۳۷۲ - ۱۳۲۴).

موضوع: حزب توده ایران

Hezb Tudeh Iran

موضوع: فرقه دموکرات آذربایجان

Ferqeh Democrat Azarbayjan

موضوع: جنبش ها و قیام ها -- ایران -- آذربایجان

Insurgency -- Iran -- Azerbaijan

رده بندی کنگره: DSR ۱۵۲۳

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۸۹۹۶۷۳۳

اطلاعات رکورد کتاب شناسی: فیا

ولجہ فکرت

انتشارات مؤسسہ فرهنگی - هنری

جہان کتاب

•
وحدت نافرجام

کشمکش های حزب توده ایران و نفوذ دموکرات آذربایجان

(۱۳۷۲-۱۳۲۴)

شیوا فرهمند زاد

•
چاپ اول: ۱۴۰۱

تولید: ۲۰۰ نسخه

•
همه حقوق محفوظ است.

•
تلفن: ۹۸-۹۷-۶۶۹۶۸۰

www.jahanketab.ir

•
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۷-۷۵-۰

•
۲۴۰۰۰۰ تومان

فهرست

- پیشگفتار..... ۱۱
۱. حزب توده ایران و تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان..... ۲۱
- زمینه مساعد جنبش آذربایجان..... ۲۱
- گسترش مخالفت با حزب توده ایران در آذربایجان..... ۲۴
- به سوی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان..... ۲۹
- غافلگیری حزب توده ایران..... ۳۱
۲. آغاز کشمکش..... ۳۷
- اعتراض حزب توده ایران به اتحاد شوروی..... ۳۷
- نخستین دخالت آمرانه اتحاد شوروی در امور حزب توده ایران..... ۴۲
- پیوستن سازمان محلی حزب توده ایران به فرقه دموکرات آذربایجان..... ۴۶
- کنگره مؤسس فرقه دموکرات آذربایجان..... ۴۸
۳. «فارس افسرلر» (افسران فارس)..... ۵۱
- شکاف فرهنگی..... ۵۱
- شکست..... ۵۹
۴. واکنش حزب توده ایران به هنگام حمله ارتش به آذربایجان..... ۶۱
۵. واکنش حزب توده ایران به شکست جنبش آذربایجان..... ۶۷
۶. مهاجرت رهبران و اعضای فرقه دموکرات آذربایجان..... ۷۹
- آغاز فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان در مهاجرت..... ۸۰
- کنگره دوم حزب توده ایران، و جنبش آذربایجان..... ۸۳
- بازگشت آذربایجان به نوشته های حزب توده ایران..... ۸۴

۷. آغاز مهاجرت رهبران حزب توده ایران، و پیشنهاد وحدت ۸۹
- مخالفت و رهبران حزب با موجودیت فرقه دموکرات آذربایجان ۹۲
- فرقه‌های دوم و سوم در داخل ۹۶
- بسته شدن راه فعالیت‌های فرقه دموکرات آذربایجان در داخل ۹۸
۸. تلاش برای وحدت ۱۰۱
- اصرار حزب توده ایران بر امر وحدت با فرقه دموکرات آذربایجان ۱۰۱
۹. آشوب «فارس افسرلر» و خواست انحلال فرقه ۱۰۹
- مخالفت جمهوری آذربایجان با وحدت دو حزب ۱۱۶
- ادامه اصرار حزب توده ایران بر وحدت ۱۱۸
- نامه‌های اعتراضی مخالفان فرقه ۱۲۳
۱۰. گام‌های نخست به سوی وحدت ۱۲۷
۱۱. پلنوم چهارم، نظر واقعی رهبران حزب توده ایران در موضوع آذربایجان ۱۳۱
- ادامه نامه‌نگاری برای وحدت ۱۳۶
- پاسخ فرقه دموکرات آذربایجان ۱۳۸
- کشور کثیرالعلمه؟ ۱۴۲
۱۲. انتقال رهبری حزب به «جمهوری دموکراتیک آلمان» ۱۴۵
- شکایت فرقه دموکرات آذربایجان از حزب توده ایران به شوروی‌ها ۱۴۶
- پافشاری حزب توده ایران بر امر وحدت ۱۵۰
۱۳. غلام مخوف ۱۵۳
۱۴. آغاز مشاوره‌های پیش از وحدت ۱۶۵
- مشاوره وحدت شهریور ۱۳۳۸ ۱۶۶
۱۵. پلنوم ششم ۱۷۳
۱۶. به سوی کنفرانس وحدت ۱۷۹
- گزارش کمیسیون تدارک کنفرانس وحدت ۱۸۰
- مشاوره نهایی پیش از وحدت ۱۸۲
- از جهان‌بینی حزب تا اهمیت تاریخ فرقه ۱۸۳
- اصل لنینی «حق جدا شدن» ۱۸۶
- تصریح رهبری طبقه کارگر ۱۸۶

- ۱۸۷ درج سابقه تاریخی فرقه در اسناد حزب واحد
- ۱۸۹ اهمیت زبان مادری
- ۱۹۰ «قانون اساسی» به جای برنامه حزب
- ۱۹۳ ۱۷. پلنوم هفتم، «کنفرانس وحدت» و پلنوم هشتم
- ۱۹۷ قطعنامه پلنوم هفتم
- ۱۹۸ کنفرانس وحدت
- ۲۰۵ ۱۸. ادامه اختلاف در جلسات هیئت اجراییه حزب «واحد»
- ۲۰۵ ضربه‌های سازمان امنیت ایران
- ۲۰۶ اعدام گروهی از فرقه‌ای‌های فعال در تبریز
- ۲۰۸ جلسات هیئت اجراییه جدید حزب «واحد»
- ۲۰۹ کنفدراسیون تشکیلاتی و مجله جداگانه
- ۲۰۹ بهتان و بگو مگو
- ۲۱۱ وازداری و انضباط حزبی
- ۲۱۳ بی‌خبری حزب از درون فرقه
- ۲۱۴ ناسیونالیسم و جدایی‌خواهی
- ۲۱۴ افزایش مشکلات پس از «وحدت»
- ۲۱۷ «راه ما در چنگ سازمان امنیت است»
- ۲۱۹ ۱۹. پلنوم نهم، و کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۲۲۲ کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۲۲۵ آثار کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۲۲۹ حمله‌های به فرقه، به نقل از دانشیان
- ۲۳۳ دفاع دانشیان
- ۲۳۹ نامه‌های حوزه‌های حزبی
- ۲۴۳ نامه آکادمیست‌های باکو
- ۲۴۹ ۲۰. پلنوم دهم، فروپاشی هیئت اجراییه
- ۲۵۳ «محاکمه» و «تیرنه»ی دانشیان
- ۲۵۹ بازرسی از سازمان آذر بایجان
- ۲۶۶ اخراج‌های «خودسرانه» از فرقه
- ۲۶۷ «عزل» شتاب‌زده دانشیان از صدارت فرقه
- ۲۷۵ ۲۱. پلنوم یازدهم، جنجال و تغییر رأی با اقدام دانشیان

پیشگفتار

چهار سال پس از تشکیل حزب توده ایران (۱۳۲۰)، حزب تازه‌ای در آذربایجان پدیدار شد به نام فرقه دموکرات آذربایجان (۱۳۲۴). رهبران حزب توده ایران از همان آغاز پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان، مطابق اسنادی که خواهیم دید، با موجودیت آن، و حتی نام آن، هیچ سر‌آشتی نداشتند و معتقد بودند که موجودیت حزب خودشان برای سراسر ایران کافی است و نیازی نیست که یک حزب تازه با برنامه‌ها و اهداف کم‌و بیش مشابه در آذربایجان ایجاد شود، به‌ویژه از آن رو که حزب توده ایران خود، بر پایه آماری که خواهیم دید، سازمانی ۶۰ هزار نفری در آذربایجان داشت.

مخالفت حزب توده ایران با موجودیت فرقه دموکرات آذربایجان چندان شناخته‌شده نیست، شاید از آن رو که در نوشته‌ها و مطبوعات و رسانه‌های حزبی همواره همه‌چیز «عالی» و «ایده‌آل» و «سسته‌ورفته» است و کم‌تر چیزی از ژرفای درگیری‌ها و کشمکش‌های درون‌حزبی، و به‌ویژه در این مورد، بیرون از حزب نشان می‌دادند.

پس از مهاجرت رهبران و اعضای فرقه دموکرات آذربایجان (۱۳۲۵)، و سپس حزب توده ایران به اتحاد شوروی (سابق)، از سال ۱۳۳۱ فکر وحدت میان این دو حزب به میان آمد، و از همان هنگام کشمکش‌های میان آن‌ها نیز ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در اسناد رسمی حزب توده ایران چندان نشانی از عمق آن کشمکش‌ها نیز نمی‌بینیم. افراد گوناگونی که خاطرات خود را از آن کشمکش‌ها گفته یا نوشته‌اند نیز

اغلب از «وحدت تحمیلی»، «وحدت فرمایشی»، و از این دست، سخن می‌گویند و «تئوری»‌های شخصی گسترده‌ای برای چرایی و چگونگی آن «وحدت» مطرح می‌کنند. اما درباره آن «وحدت» نیم‌بند، که دست‌کم برای حزب توده ایران بی‌تردید سرنوشت‌ساز بود، خواهیم دید که اسناد چه می‌گویند.

من در آذربایجان و محیطی بار آمدم که در آن از فرقه دموکرات آذربایجان بسیار سخن به میان می‌آمد. سپس در سال‌های دانشجویی در تهران به حزب توده ایران آشنا شدم، و پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ چند سال در میان رهبران آن زندگی کردم. در نشریات حزبی از وحدت میان حزب و فرقه و از یگانگی راه و رسم آن دو سخنان زیبایی می‌نوشتند، اما مخالفان حزب و کسانی که حزب را ترک کرده بودند از اختلافات درونی هر یک از دو حزب و از کشمکش‌های میان دو حزب می‌گفتند. در میان رهبران حزب توده ایران نیز نشانه‌هایی از آن اختلاف می‌دیدم: احسان طبری، از رهبران برجسته حزب، از برخی از رهبران فرقه دموکرات آذربایجان بدگویی می‌کرد و از جلساتی که با هم داشتند، جوک تعریف می‌کرد. یا کابوری، دبیر اول حزب، با دیدن آن‌که حمید صفری دبیر دوم حزب (از فرقه) در جلسه‌ای نشسته، با آوردن بهانه‌ای، در جلسه شرکت نمی‌کرد و به راه خود می‌رفت. از خود می‌پرسیدم چرا چنین می‌کنند؟ پاسخی نمی‌یافتم، و خود را در مقامی نمی‌دیدم که از آنان بپرسم. سپس در مهاجرت اتحاد شوروی با برخی دیگر از رهبران هر دو حزب از نزدیک سروکار داشتم، و نتیجه غم‌انگیز افتادن اداره حزب توده ایران را در خارج به دست علی خاوری، و دو رهبر دیگر پرورده فرقه دموکرات آذربایجان، حمید صفری و امیرعلی لاهرودی، از نزدیک دیدم و چشیدم.

از این رو انگیزه من برای کندوکاو در مناسبات این دو حزب کنجکاو بود. می‌خواستم از چند و چون کشمکش‌های آنان سر درآورم، علت‌ها را پیدا کنم، و بفهمم چرا و چگونه و از کی و از کجا در روابط میان این دو حزب مشکل پیدا شد، و چرا نتوانستند مشکل را حل کنند. به پاسخ‌های ساده و پیش‌پاافتاده و «سیاه» یا «سفید» هم راضی نبودم. پس در جست‌وجوی علت‌ها، در طول سالیان، و سه سال اخیر به شکل

تمام وقت، هر آنچه یافتم، خواندم، و فرازهایی از آن‌ها را که مربوط به این موضوع بود، این‌جا نقل کرده‌ام. سراسر این کتاب روایت کشمکش‌های دستگاه رهبری دو حزب در طول نزدیک ۵۰ سال، و از خلال جلسات گوناگون و پلنوم‌های کمیته‌های مرکزی آن‌هاست.

برای نوشتن این کتاب «تز» با «فرضیه»ی از پیش اندیشیده‌ای نداشته‌ام تا دز پی اثبات آن بایگانی‌ها و کتاب‌ها را بکاوم و اسنادی را در «تأیید» آن دست‌چین کنم. ممکن است این‌جا و آن‌جا چنین به نظر برسد که جانب‌دار یا دشمن این یا آن شخص یا جریان هستم. اما چنین نیست. و اگر زمانی چنین گرایش‌ها یا تعصب‌هایی داشته‌ام، اکنون دیگر هیچ ندارم. البته ادعای «بی‌طرفی مطلق» می‌تواند از زوی دیگری باشد! راست آن است که همه چیز از صافی ذهن من گذشته و انتخاب سندها کار فکر و اراده من بوده است. اما تا پیش از گردآوری نزدیک سه چهارم مطالب و اسناد، هیچ نمی‌دانستم کتاب به چه نتیجه‌ای خواهد رسید. امیدوارم که آنچه یافته‌ام و دریافته‌ام و روایت کرده‌ام، برای خواننده نیز مفید باشد و چیزی به دانش او بیفزاید و او به نتیجه مستقل فردی و شخصی خود برسد.

کوشیده‌ام که پیوسته در چارچوب کشمکش‌های این دو حزب بمانم، و بارها به ناگزیر به خواننده، و به خود، یادآوری کرده‌ام که موضوع کتاب مناسبات دو حزب است، و نه تاریخچه هر یک از آن دو. از این رو به تاریخچه پیدایش هر یک از دو حزب نپرداخته‌ام، و تنها به نکاتی از تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان اشاره کرده‌ام که به مناسباتش با حزب توده ایران ربط می‌یافته است. اما در مواردی پرداختن به برخی رویدادهای حاشیه‌ای لازم بود تا زمینه کشمکش‌ها روشن شود. امیدوارم زیاد به حاشیه نرفته باشم. برای مثال، میرجعفر پیشه‌وری، بنیان‌گذار و نخستین رهبر فرقه دموکرات آذربایجان، تنها مدت کوتاهی در آغاز کشمکش‌های این دو حزب زنده بود و حضور داشت، و فکر وحدت دو حزب و کشمکش‌های پس از آن، همگی در غیاب او پیش آمد، و بنابراین او در این کتاب حضور چندانی ندارد.

۱. اجلاس‌هایی که همه اعضا و مشاوران کمیته مرکزی حزب به آن فراخوانده می‌شوند، «پلنوم» نامیده می‌شود.